

درباره اقدام جهادی اعضای یک کانون فرهنگی در مشهد

که داوطلبانه، قرآن‌های فرسوده را مرمت و بازسازی می‌کند

جهادگران راه نور

گزارش
روز



مقصومه قربانی
خبرنگار

کانون فرهنگی و تبلیغی «کتاب و عترت» از معدود مجموعه‌هایی است که موجی را برای فعالیت‌های فرهنگی به راه انداخته و دامنه آن به شهرهای دیگر نیز کشیده شده است. اتاق فرمان این کانون دریکی از خیابان‌های مشهد است؛ مرکزی کوچک و دنج با رویکردی فعالانه برای حفظ منابع قرآنی و ترویج سبک زندگی دینی؛ از اعزام مبلغ فرهنگی و منبری برای روضه خوانی گرفته تا نوانوار کردن قرآن‌های قدیمی که اولویت کاری آن‌هاست. پاگرفتن این مجموعه که حالا روایتش، دهان به دهان آدم‌های شهر می‌چرخد و خیلی‌ها را داوطلبانه همراه کرده است، به تصمیم یک زوج جهادگر برمی‌گردد که تجربه سفرهای متفاوت را در کارنامه زندگی مشترکشان دارند.

تصمیم یک زوج در شروع زندگی مشترک



را شروع کردند. برای مساجد روستاها، جادرنماز و مهر و تسبیح می‌بردند و دنبال رفع و رجوع نیازمندی‌های دیگر آن‌ها بودند تا رسیدند به این موضوع که در هر مسجد، چقدر قرآن بی‌استفاده هست. هنوز هم باورش‌ناپذیر نمی‌شود یک تصمیم دونفره برای بازسازی قرآن‌های فرسوده، این قدر جفت و بیست پیدا کرده باشد که تعاملشان را از این نقطه شهر تا همه جای استان و حتی خارج از آن گشاده باشد و هر روز این همه سفارش کار داشته باشند. حالا کانون فرهنگی و تبلیغی «کتاب و عترت»، بین مساجد و حسینیه‌ها اسم و رسم پیدا کرده است و خادمان مسجدی هر وقت گرد قرآن‌های فرسوده را از روی سطاقچه‌ها می‌گیرند، یک جای آشنا برای مرمت هست و بسته بندی‌شان می‌کنند و می‌فرستند به مقصدی که یک گروه، مشغول نوانوار کردن آن‌ها هستند تا به چرخه استفاده مراکز برگردند.

کار جهادی برای قرآن

می‌کنم و آن را ورق می‌زنم. هر خط از قرآن، می‌تواند خبری از گذشته و آینده بیاورد و رسیدن به آیه‌ای از سوره «یس» تکانی می‌دهد: «وَتُفَعِّخُ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْتَسِلُونَ.» نگاه به اطراف می‌افتد. یک تیم داوطلبانه و افتخاری مشغول کار هستند. تقریباً همه‌شان، به طور تجربی کار صحافی را یاد گرفته‌اند. صمیمیت، ویژگی اصلی کارهای جهادی و داوطلبانه است و اینجا نیز حضور دارد. دوستانه کنار هم می‌نشینند و به همدیگر هر آن چیزی را که یاد دارند، می‌آموزند. ابراهیمی به اصطلاح مدیر مجموعه است؛ هر چند بین تیم آن‌ها این عبارات معنا ندارد. می‌گوید: اینجا همه چیز دلی است؛ هرکه زمان و وقتش اجازه بدهد و دوست هم داشته باشد، همراهان می‌شود.

او ادامه می‌دهد: هر چیزی فرکانسی دارد و زمانی که چیزی وارد زندگی‌مان می‌شود، یعنی روی فرکانسی قرار دارد که ما هم روی آن هستیم و خوشحالیم که روی این فرکانس هستیم. ایمان به قرآن و آیه‌ها، روحان را تازه نگه می‌دارد و پشت بندش این نکته را یادآور می‌شود که هر مسافری، جاده‌ای امن می‌خواهد تا به مقصد برسد. باید متوسل به این آیات شویم. این جاده پرخطر و این سرایشی‌ها را نمی‌توانیم به سلامت بگذرانیم؛ مگر اینکه یک نور، مسیرمان را روشن کند و راه‌گشا باشد. شما که رسانه‌ای هستید و این روزها روی فرهنگ عاشورایی و اشاعه آن کار می‌کنید، حتماً این نکته را مدنظر داشته باشید.

او معتقد است رزق آدم‌ها مشخص و تعیین شده است. لبخندی می‌زند و ادامه می‌دهد: این هم روزی خانواده ما و همه کسانی است که در این دوسه ساله همراهان هستند و بیاری‌مان می‌کنند. در مورد تأثیر قرآن بر زندگی، شاید زیاد صحبت شده باشد اما تکرار این حرف‌ها خالی از لطف نیست؛ هر که خالی به زبان هم نیاورد، زندگی‌اش را مدیون قرآن و خاندان وحی است؛ کودکان قرآنی، جوانان قرآنی، مردان قرآنی، پیرمردان و پیرزنان قرآنی

آموزگاری که قرآن صحافی می‌کند

همان طور که مشغول کار است، مراحل انجام کار را توضیح می‌دهد: «تا کردن ورق‌های چاپی، گام اول است. تا کردن در صحافی کتاب، عامل بسیار مهمی است که نوع صحافی را مشخص می‌کند و در قطع‌های مختلف، متفاوت است؛ البته فضایی هم برای صحافی و دوخت کتاب لازم است؛ چیدن ورق‌ها، ته دوزی کردن یعنی همان دوختن یا چسباندن اوراق به هم. گذاشتن جلد و برش دادن، مراحل دیگر کار است. گام دوم در صحافی کتاب، ترتیب بندی یا همان ترکیب بندی صفحات است. در این مرحله، صفحات کتاب به ترتیب شماره، کنار هم قرار می‌گیرند، حال نوبت ته دوزی یا یکناره دوزی است که گام سوم را تشکیل می‌دهد و بقیه کارها... او ادامه می‌دهد: قصد دارم چند ماه تابستان را اینجا بگذرانم؛ چون حس بهتری نسبت به قبل دارم. حالا قرآن را با دقت بیشتری می‌خوانم و مواجهه تازه‌ای به مواجهه‌های قبلی‌ام اضافه شده است؛ اینکه درباره آیتانش پژوهش کنیم و حتی وقت بگذارم و مباحثه کنم.

روضه خوانی با شما، قند و چای با ما!

نمی‌گذرد اما هر بار دیکمه‌ها را به هوای طراحی فشار داده، چند دقیقه‌ای به صفحه مانیتور مقابلش خیره شده و با خدا درد دل کرده است. می‌گوید: یکی از کارهای حسی من، همین است که بدانم این قرآن به دست یک نفر در دورترین نقطه کشورم می‌رسد و من هر بار پای کار می‌نشینم، به این آیه فکر می‌کنم: «روزی که انسان از برادرش بگیرد و از مادر و پدرش و همسر و فرزندانش، آن روز خدای این آیه‌ها، یاریگر من هستند.»

سید علی عالمی یکی دیگر از فعالان مجموعه است. می‌گوید: ما زندگی‌مان را مدیون قرآن و خاندان وحی هستیم و هر کدام ما با وضو بای کار می‌نشینیم. من خودم هر بار امام رضا^(ع) اهل بیت^(ع) جدا شوم. شک نکنید مجموعه‌های فعال این شکلی، جان بخش انسان است. هر سوره‌ای که باز کنید و هر آیه‌ای که در طول روز زمزمه کنید و به زبان بیاورید، مثل باران بعد از خشک سالی است؛ مثل نسیمی که پس از هرمر شرجی می‌آید و حال آدم را خوب می‌کند. عالمی می‌گوید: همه مراکز فرهنگی، مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و حتی سربازخانه‌ها را نیازسنجی و رصد می‌کنیم و قرآن‌های مرمت شده را به مجموعه‌هایی که واقعا نیاز دارند، اهدا می‌کنیم. البته جدا از آن، کسانی که نیاز به مبلغ روضه خوان هم داشته باشند، با ما در ارتباط هستند. حتی قند و چای خانه‌هایی را که اهل برگزاری روضه‌اند و دستشان خالی است، تأمین می‌کنیم. سبحان مهدوی، کار و تخصصش با کامپیوتر مرتبط است و طراحی جلد‌ها را انجام می‌دهد، البته خیلی از عمر همراهی او با این مجموعه

پشتیبانی ۲ هزار نیکوکار

که به صورت رایگان، کار بازسازی و مرمت قرآن‌ها را انجام می‌دهد. یادش از مساجد و قرآن‌های سوخته شده می‌آید و اینکه سیاهی‌های اوراق سوخته شده را روی چشم‌هایشان گذاشتند و هنوز بهت زده هستند از اینکه قرآنی را که موحد و قیامت‌اندیش است، چگونه عده‌ای به آتش کشیدند! او ادامه می‌دهد: هر که دوست دارد آن‌سوی کتاب خدا پیدا کند، می‌تواند خادم این مجموعه شود؛ قدمش سر چشم! در حال حاضر هم بیش از ۲ هزار نیکوکار و خیر، گروه‌ها را پشتیبانی می‌کنند. اگرشان با صاحب این کتاب وحی باشد ان شاء...!

لا به لای قفسه‌های پر از قرآن راه می‌روم. قرآن‌های خشتی کوچک با جلد سفید و خطوط طلایی و قرآن‌هایی با رسم الخط عثمان طه و...، با صحبت‌های مریم حاجی‌آبادی، همسراجا آقا ابراهیمی، به خودم می‌آیم که از ما برای ترمیم و مرمت قرآن‌ها می‌گوید: «تقریباً سه سال است کار ما رسمیت پیدا کرده؛ کار را خانوادگی شروع کردیم و حالا خانواده‌های زیادی همراهی‌مان می‌کنند. چه بهتر اینکه رزق آدم از یک منبع نوانی و روحانی، تأمین شود! امیدوارم این رسالت را بتوانیم به نحو احسن انجام دهیم!» او این نکته را نیز یادآوری می‌کند: «در سطح کشور این دومین مجموعه‌ای است